

## اعوذ بالله من الشيطان الرجيم

### بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصل الله على سيدنا ونبينا محمد آله الطاهرين ولعنه الله على  
اعدائهم اجمعين ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم.

بمناسبت بیانیه ای که مقام معظم رهبری مد ظلّه العالی در سالگرد ۴۰ سالگی انقلاب شکوهمند اسلامی برای حرکت انقلاب اسلامی در گام دوم منتشر فرمودند قرار بر این شد فقره هایی از این بیانیه را در خدمت سروران مرور کنیم. سروران مستحضرنند که یکی از حقوق والی جامعه اسلامی بر امت این است که افراد در راستای تحقق مطالبات حاکم حکومت اسلامی تلاش کنند (الاجابه حین یدعوه) به عبارتی وقتی دعوت می کند اجابت و وقتی امر می کند اطاعت کنند. این اصل اساسی از وظایف شرعی هر مسلمانی است که در حکومت اسلامی زندگی می کند و به حسب مراتب تقاضا و امر حاکم شرع این تکلیف هم به تکالیف وجوبی و استحبابی تقسیم می شود. وقتی که مقام معظم رهبری بیانیه گام دوم انقلاب را بیان فرمودند یکی از وظایف همه آحاد حکومت اسلامی این است که اولاً این منشور را یک بار با دقت لاقلاً مطالعه کنند و ثانیاً در راستای تحقق آن در حیظه عملکرد خودشان گام بردارند. این بیانیه یک منشور کاملاً راهبردی است و مخاطب اصلی آن افراد نیست بلکه مخاطب اصلی آن نهادها و مجموعه ها هستند که باید بر اساس این منشور، چشم انداز کلان جمهوری اسلامی، نهادها و مجموعه های مختلف را که شاید چشم اندازی چهل ساله باشد را ترسیم کنند و بعد بر اساس آن بر نامه را خرد کنند و راهبرد ها و استراتژی های خودشان را تدوین و هر وزارت



خانه ، سازمان و مجموعه ای بر این اساس عمل کنند و لذا صرف این که جلساتی تشکیل شود و چند کلمه ای از این بیانات آقا را مرور کنند مسئله ای را حل نمی کند. باید تصمیم گیران حکومت این مطالب را در چرخه تصمیم گیری قرار دهند و کسانی هم که مشاور و تصمیم ساز هستند بر اساس این منشور به نهاد ها و مجموعه ها برنامه بدهند اما رفع تکلیف از ما نمی کند چون به هر حال هر کسی در حوزه مسئولیت فردی در زندگی شخصی خود و محیط پیرامونش تاثیر گذار است پس در حد توان خود این دستورات را به منصفه ظهور برساند. به همین منظور مروری بر بعضی از محورهای فرمایشات مقام معظم رهبری در منشور انجام می دهیم که بهانه ای باشد تا سروران مطالعه دقیق بفرمایند و با دقت در برخی از بخش ها دریابیم چگونه می توانیم از آنها در حیطه برنامه ریزی شخصی یا محیط های کوچک خودمان استفاده کنیم. پس نگاه ما فعلا به این منشور یک نگاه کلان راهبردی نیست چون اصلا جایگاه ما آنجا نیست. در محدوده برنامه شخصی و یا مجموعه های کوچک خودمان ببینیم چه استفاده ای از این فرمایشات می توانیم ببریم و چگونه جهت گیری های خودمان را رقم بزنیم. سروران ملاحظه کرده اند که خطاب اصلی آقا در این منشور جوانان هستند و آنها هستند که این بار مسئولیت بردوش آنها نهاده شده است و جمع دوستانی هم که این جا کنار هم نشسته ایم عموما جزو مخاطبین اصلی این منشور محسوب میشوند. لذا از توصیه های مقام معظم رهبری بندهایی را می خوانیم و چند کلمه ای را باهم مرور می کنیم .

مقام معظم رهبری می فرمایند: «اما پیش از همه چیز نخستین توصیه من ، امید و نگاه خوش بینانه به آینده است»

در نیمه اول بیانیه ترسیمی از دستاورد های انقلاب اسلامی و وضعیت دوران گذشته قبل از انقلاب و ارزش ها و آرمان های انقلاب اسلامی بیان شده که عزیزان مطالعه می فرمایند.



از این قسمت توصیه‌هایی را رهبر حکومت اسلامی نسبت به نسل فعلی بیان فرموده‌اند که با عمل کردن به این سفارشات بتوانند در مسیر گام دوم انقلاب حرکت کنند و برنامه حرکت رو به آینده است.

مقام معظم رهبری در بیاناتشان می‌فرمایند: پیش از هر چیز قبل از این که به آن توصیه‌های محوری برسیم اولین توصیه، توصیه به امید و نگاه خوش بینانه است. طبیعتاً این توصیه‌ها ناظر به شرایط زمانی و اجتماعی فعلی جامعه اسلامی می‌باشد یعنی تحولاتی که اتفاق افتاده و شرایط اجتماعی که پیش آمده بر اساس این شرایط موجود اولویت بندی‌هایی فرموده‌اند و توصیه کرده‌اند. با توجه به شرایط موجود مهم‌ترین و اولین توصیه این است که انسان به آینده نگاه امید بخش داشته باشد. در مباحث اخلاق توحیدی و در فصل خوف و رجا داریم که در هر حرکتی موتور محرک آن حرکت و پیشران آن مسئله «رجا و امیدواری» است و اگر شخصی یا یک مجموعه و یا جامعه‌ای امیدوار نباشند، هیچ وقت حرکت نمی‌کنند زیرا کسیکه تصورش بر این است که راه بسته است و نمی‌تواند مسیر را طی کرد، انگیزه‌ای برای حرکت ندارد و در روایات داریم که بعد از کفر و شرک به خداوند متعال بزرگ‌ترین گناه یک انسان، ناامیدی از رحمت خداوند است که ناامیدی تاثیر سویش در رشد انسان از همه گناه دیگر بیشتر است. فرد ناامید، چون می‌گوید راه بسته است و راه بسته را انسان دیگر نمی‌تواند طی کند لذا می‌فرمایند: اولین چیزی که به عنوان موتور محرک جامعه اسلامی و بخصوص نسل جوان هست امید و نگاه خوش بینانه به آینده است. این که انسان باور داشته باشد که می‌تواند جامعه را بسازد و جامعه اسلامی می‌تواند به آن اهداف و آمان‌هایی که دارد دسترسی پیدا کند.

ایشان در ادامه می‌فرمایند: «بدون این کلید اساسی همه ی قفل‌ها، هیچ گامی نمی‌توان برداشت»



تا این کلید نباشد در های بسته باز نمی شوند. خوب چگونه انسان نسبت به یک آینده روشن امیدوار می شود؟ ما چگونه می توانیم این حس امید را اولاً در قلب خودمان و ثانیاً نسبت به دیگران ایجاد کنیم؟

برای امیدوار بودن نسبت به حرکت یک مجموعه و یا یک سازمان به طور معمول سعی می کنند روند های گذشته را بررسی و ببینند که در گذشته ی این مجموعه چه اتفاق هایی افتاده، چه آسیب ها و مشکلاتی داشته و آیا ما توانایی کافی برای این که این آسیب ها را در آینده برطرف بکنیم داریم یا نداریم!

مثلاً شما مدیر مدرسه ای هستید و به مشکلاتی هم دچارید می خواهید ببینید که در آینده امیدوار باشید یا نباشید! گذشته را آسیب شناسی می کنید و توانایی ها و استعداد هایتان (نقاط قوت و فرصت ها) را هم بررسی می کنید تا ببینید مشکلاتی را که به وجود آمده می توانید بر طرف بکنید یا نه؟

دشمن برای این که ما را ناامید بکند دو کار انجام می دهد:

اول- گذشته ما را سیاه نمایی می کند یعنی آنچه را که بوده است برخلاف واقع جلوه می دهد و این گونه نشان می دهد که گذشته، گذشته بسیار تاریک و دردناکی است یعنی حجم مشکلات را بیش از آنچه که هست وانمود می کند.

دوم- نقاط قوت و فرصت هایمان را برعکس جلوه می دهند و می گویند که شما توانایی ندارید. داشته های شما برای حرکت در درون خودتان کافی نیست باید دست گدایتان را به بیرون دراز کنید. لذا در صفحات قبلی مکرر روی این نکته تأکید کرده اند تا نشان دهند که هم انقلاب و هم داشته های درونی ما آن طور که دشمن وانمود می کنند نیست. اگر ما یک قضاوت صادقانه داشته باشیم یعنی واقع بینانه به گذشته و داشته های خودمان نگاه کنیم یقیناً می توانیم با استفاده از این داشته ها مسیر آینده را طی بکنیم



ایشان در ادامه می فرمایند: «آنچه میگویم یک امید صادق و متکی به واقعیت های عینی است این جانب همواره از امید کاذب و فریبنده دوری جسته ام، اما خود و همه را از نومییدی بی جا و ترس کاذب نیز برحذر داشته ام و برحذر می دارم.»

ترس کاذب، محصول شناخت غلط نسبت به گذشته و نسبت به داشته فعلی است.

ایشان در ادامه می فرمایند: «در طول این چهل سال-و اکنون مانند همیشه-سیاست تبلیغی و رسانه ای دشمن فعال ترین برنامه های آن، مایوس سازی مردم و حتی مسئولان و مدیران ما از آینده است. خبرهای دروغ، تحلیل های مغرضانه، وارونه نشان دادن واقعیت ها، پنهان کردن جلوه های امید بخش، بزرگ کردن عیوب کوچک و کوچک نشان دادن یا انکار محسنات بزرگ، برنامه ی همیشگی هزاران رسانه ی صوتی و تصویری و اینترنتی دشمنان ملت ایران است.»

با دقت در تعبیر می بینید که همه ی آن از روی حساب و کتاب نوشته شده و خودشان هم فرموده اند که من برای این منشور وقت زیادی گذاشته ام. این ها را وقتی تحلیل می کنید می بینید رسانه از یک سو با دروغ گفتن بدی هایی را که نبوده، وانمود می کند که هست. اتفاقاتی که نیفتاده را وانمود می کنند افتاده خوبی هایی را که اتفاق افتاده، انکار یا پنهان می کنند. گاهی به دروغ می گویند نیست، گاهی ممکن است به دروغ هم نگویند ولی پنهان می کنند یعنی اجازه فرا گیر شدن آن را و رسیدن این خبر به گوش دیگران را نمی دهند. طبیعتا معادلاتی که در ذهن انسان های عادی و مسئولان و تصمیم گیران هست جا به جا میشود، بعد احساس می کنند که ما یک مجموعه ناتوان برای حل مشکلات خودمان هستیم و نمی توانیم گام برداریم طبیعتا باید دیگران باشیم.

«والبته دنباله های آنان در داخل کشور نیز قابل مشاهده اند.»

رسانه های بیرونی که کار خودشان را انجام می دهند، یک عده ای هم در داخل همان حرف ها را تکرار میکنند.



«که با استفاده از آزادی‌ها در خدمت دشمن حرکت می‌کنند. شما جوانان باید پیشگام در شکستن این

محاصره‌ی تبلیغاتی باشید.»

وظیفه نسل جوان این است که در مقابل این محاصره تبلیغاتی بایستند و اجازه اینکه این دروغ‌ها و مخفی‌کاری‌ها در جامعه رواج پیدا کند و در قلب انسان بنشینند را ندهد.

«در خود و دیگران نهال امید به آینده را پرورش دهید. ترس و نومی‌دی را از خود و دیگران برانید. این نخستین

و ریشه‌ای‌ترین جهاد شما است.»

که اگر نباشد دیگر انگیزه‌ای برای قدم برداشتن در مراحل بعدی وجود ندارد.

«نشانه‌های امید بخش که به برخی از آن‌ها اشاره شد در برابر چشم شما است. رویش‌های انقلاب بسی

فرا‌تر از ریزش‌ها است و دست و دل‌های امین و خدمتگزار، بمراتب بیشتر از مفسدان و خائنان و کیسه‌دوختگان است. دنیا به جوان ایرانی و پایداری ایرانی و ابتکارهای ایرانی، در بسیاری از عرصه‌ها با چشم‌تکریم و احترام می‌نگرد قدر خود را بدانید و با قوت خداداد به سوی آینده خیز بردارید و حماسه بیافرینید.»

اولین بخش صحبت این است که وظیفه ما در مقابل این فرازی که خواندیم، یعنی داشتن امید و ترویج حس داشتن امید در جامعه اسلامی چیست؟ و از چه راه‌هایی باید در مقابل این سیاست‌های دشمن موضع‌گیری کنیم؟ و چه گام‌هایی در همان حوزه خرد و محدودی که خودمان در آن هستیم برداریم؟ رسانه که در دست ما نیست، حالا شاید بعضی از دوستان گوشه و کناری دسترسی به رسانه هم داشته باشند.

برای اینکه بخواهیم حس امید را در یک فضای ترویج و جا بیندازیم:

۱- تلاش کنیم دستاوردهای گذشته و داشته‌های فعلی را به طور صحیح معرفی کنیم یعنی روندهای موجود را دقیق نگاه کنیم و درست بشناسیم.



هر کسی در حوزه کار خودش اولاً: این‌ها را بشناسد. ما اولین مشکلمان این است خودمان را هم نمیشناسیم، یعنی اگر کسی در خیابان از ما بپرسد: شما توی این چهل سال که انقلاب کردید چه کارهایی انجام دادید؟ مردم به ما، روحانیون که می‌رسند می‌پرسند: شما آخوندا که انقلاب کردید، توی این چهل سال چه کار کردید؟ چند تا از ما هستیم که یک فهرست آماده از دستاورد های انقلاب در این چهل سال داریم تا عرضه کنیم و بگوییم در این چهل سال ما که نبودیم، ولی کسانی که که خون دل خوردند و زحمت کشیدند این کارها را انجام داده‌اند و این محصول و نتیجه را رقم زدند.

برای این که این نگاه اتفاق بیافتد یک گام عقب‌تر برویم اولین قدمش این است که ما «سواد رسانه» داشته باشیم. سواد رسانه‌ای یعنی بتوانیم رسانه‌های راستگو را از دروغگو تفکیک و عادت کنیم که تحت تاثیر فضای رسانه قرار نگیریم یعنی هر کسی که میخواهد این مسئله را در مورد خودش یا خانواده و اطرافیانش محقق کند، باید روی مسئله ضرورت داشتن سواد رسانه که فضای دنیا هم خیلی روی آن تاکید کرده، حتما سرمایه‌گذاری بکند. عادت بکنیم که هر مطلبی را مطالعه نکنیم و یا اگر مطالعه می‌کنیم شواهد و قرائن را بسنجیم، خودمان را عادت دهیم به این که کوتاه‌خوان نباشیم، همیشه مقاله و کتاب بخوانیم. فرهنگ کوتاه‌خوانی از مهم‌ترین فرهنگ‌هایی است که تفکر انسان را متزلزل می‌کند! وقتی شما در فضای شبکه‌های مجازی فعالیت می‌کنید، یکی از مهم‌ترین هدف‌های فضای مجازی ترویج فرهنگ کوتاه‌خوانی است. یعنی شما را عادت می‌دهند، متن‌های چهار-پنج خطی بخوانید. به طوری که می‌گویند فرض کنید اگر تعداد کلمات پستی که می‌خواهید بگذارید، از سیصد کلمه بیشتر شد دیگر امید به خواندن آن را نداشته باشید.



فرهنگ کوتاه خوانی یعنی فرهنگ زود تصمیم گرفتن، زود قانع شدن و زود قضاوت کردن. اگر دشمن در فضایی فرهنگ کوتاه خوانی را جا انداخت، عملاً فکر و اندیشه آن نسل را تحت تسخیر خودش در آورده است. ما باید لااقل در حوزه فردی خودمان را به خواندن کتاب و مقاله‌ها عادت دهیم. اگر در فضای مجازی هم می‌چرخید، مقاله بخوانید. مقاله خواندن از منابع معتبر، متن‌های طولانی که دارای ارجاعات به منابع معتبر و دارای تحلیل و استدلال است.

برای داشتن سواد رسانه‌ای چند گام لازم است:

گام اول - اگر انسان فرهنگ کوتاه خوانی را کنار بگذارد، گام اول سواد رسانه را تقریباً طی کرده است.

گام دوم - در مرحله دوم به منابعی مراجعه کنیم که معتبر هستند.

گام سوم - در مرحله سوم به تفکر استدلالی و تحلیلی عادت کنیم. در عبارت بالا هم خواندیم که فرمودند: تحلیل هاتون را باید اصلاح بکنید خلاصه فرمودند که باید سعی بکنید حوادثی که پیرامون شما هستند درست بشناسید و تحلیل بکنید. یعنی صرفاً آمار و ارقام کافی نیست باید برای تفکر کردن تلاش کنیم. این که در روایات ما فرموده اند که: «اعقلوا الخبر عقل رعایه لا عقل درایه» وقتی با خبر مواجه می‌شوید؛ همیشه با درایت و تفکر درباره آن اندیشه کنید. عادت به شنیدن یک گزاره خبری، بدون درایت و تفکر نداشته باشید. اگر مسئول یک مجموعه آموزشی یا مسئول یک مدرسه یا هر جایی که می‌توانیم در فرایند آموزش اثرگذار باشیم؛ باید مهارت تفکر خلاق را به انسان‌ها بیاموزیم. این که وضعیت کشور ما بعد از چهل سال در بعضی از عرصه‌ها این‌طور شده که آقا از آن تعبیر می‌کنند به (ریزش‌های انقلاب) یک ریشه آن در مشکلات نظام آموزشی ماست. به ما بیشتر آموزش حافظه محور آموخته آموخته اند، مهارت و تفکر را کمتر به ما یاد داده‌اند. در نتیجه افراد در برابر اطلاعاتی که از بیرون وارد می‌شود، منفعل هستند و فوری تصمیم





گیری میکنند؛ یعنی به محض این که روی صفحه گوشی شما، پستی می آید آن را فوراً شما اولاً باور می کنید و ثانیاً برای افراد مختلف ارسال می کنید. به همین منظور است که بزرگان در نظام حوزه های علمیه اینقدر تاکید دارند که باید درس خواندن، تفکر محور باشد. باید متون درسی پر از استدلال و رفت برگشت به قول طلبه ها (ان قلت قلت) باشد.

یک متن ساده که مجموعه ای از گزارش در آن داده شده باشد، نباشد. چرا؟ «اعقلوا الخبر عقل رعایه لا عقل روایه» انسان با درایت و روایت پیش رود صرفاً با روایت و نقل مصادف نشود. گام اول یعنی داشتن سواد رسانه ای است.

بعد از کسب مهارت هرکس میتواند در حوزه فردی و حوزه تحت نفوذ خود آن را دنبال کند. آن وقت دغدغه داشته باشیم که نسبت به آن مطالعه کنیم. خیلی از افراد در فضا های مذهبی زندگی می کنند، عبادات فردی شان را انجام می دهند ولی انگیزه ای برای دنبال کردن اتفاقاتی که در جامعه افتاده یا خدمت هایی که نظام اسلامی انجام داده و بررسی ریزش ها و رویش های این نظام را ندارند!

۲- یکی از وظایف ما در محقق کردن این گام امید بخشی تلاش برای جمع آوری اطلاعات و اینکه ببینیم در چه زمینه هایی و به چه سمت و سویی تغییر کردیم.

۳- گام سوم این است که بعد از این که اطلاعات را پیدا کردیم تلاش کنیم تا بتوانیم اطلاعات را پردازش کنیم. حواستان باشد که یکی از مهم ترین انواع مغالطه که در کتاب های منطق مغالطات گفته می شود، (مغالطات آماری) است. خصوصیت مغالطات آماری؛ این است که در آن گوینده دروغ نمی گوید، بلکه گوینده فقط بخشی از واقعیت را بیان میکند. در مسائل آماری همین قدر که ما بخشی از واقعیت را بیان کنیم خود بخود دروغ اتفاق می افتد. این که در عبارت بالا فرمودند دروغگویی ها و پنهان کاری ها، پنهان کاری ها خودشان یک نوع از انواع مغالطه هستند.



اول همین منشور فرمودند: «این انقلاب از آغاز تا امروز نه بی رحم و خون ریز بوده و نه منفعل و

مردّد».

در همین چند روز رسانه های مخالف یک فهرستی از اول انقلاب جمع آوری کردند مبنی بر اینکه این تعداد آدم در زندان ها کشته شدند، این قدر در درگیری ها کشته شدند. سال فلان این تعداد؛ سال فلان این تعداد! البته مقدار خیلی زیادی از آن که دروغ است یعنی وقتی آدم پیگیری می کند، می بینید که این آمار و این ارقام واقعیت خارجی ندارد. مدعیان هم هیچ سندی در این باره ندارند. می گویند طبق گفته ها...

مرحله دوم: برای تحلیل واقعی، فرض کنیم که رسیدیم به این که در سال های اول انقلاب این مقدار فرد کشته شدند، خوب این کشته شدگان را هم کسی ادعا نمی کند که همشون مستحق کشته شدن بودن مسلماً حق و باطل باهم مخلوط شده و اگر صحیفه نور را هم مطالعه کنید ایشان در چند سخنرانی فرموده اند: (اتفاقاتی افتاده من نگران هستم حق و ناحق شده پیگیری بکنید). خوب این طبیعی است که در هر جامعه ای از این اتفاقات می افتد. این جا را هم ما کار نداریم. ما میخواهیم برویم مرحله سوم فرض کنید این اتفاقات افتاده حالا اگر قرار شد که با نگاه تحلیلی درباره آن ها قضاوت بکنیم باید چه کار بکنیم؟ باید فوراً یک فهرستی از سوالات بپرسیم: اولاً چند نفر جمعیت بود، که از این مجموعه جمعیت این تعداد کشته شده اند؟ آن افرادی که کشته شده اند چه فعالیت هایی کرده بودند؟ چه مراحل قبل از کشته شدن آنها اتفاق افتاد که منجر به این جا شد؟ بعد قضاوت کنیم که این انقلاب در بُعد کلان انقلابی آن، یک انقلاب بی رحم یا یک انقلاب دارای رحم بوده؟؟ بعد این را مقایسه کنید با انقلاب کبیر فرانسه یا انقلاب شوروی که در میدان سرخ مسکو مثلاً به قول بعضی چند صد هزار نفر آدم را کشتند. آمار ها وقتی معنادار میشوند که انسان این ها را در یک مجموعه در بهم پیوسته و مقایسه ای تفسیر



کند. با صرف گزارش‌ها هیچ وقت انسان نمی‌تواند واقعیت‌ها را رصد کند. پس ما اول باید مهارت سواد رسانه داشته باشیم، اطلاعاتمان را افزایش بدهیم بعد از اینها باید اطلاعاتمان را پردازش و تحلیل کنیم تا این مطلبی را که فرمودند که: «نشانه‌های امید بخش - که به برخی از آنها اشاره شد- در برابر چشم شما است. رویش‌های انقلاب بسی فراتر از ریزشها است.»

را بتوانیم به شکل صحیح بفهمیم. این قدم اول یعنی تحلیل آینده انقلاب براساس چهل سال گذشته اما کار به اینجا ختم نمی‌شود! مقام معظم رهبری در چندین سخنرانی شان می‌فرمایند:

شما مسئله را فراتر از این ببینید اصلاً مسئله تحلیل آینده الزاماً به چهل سال گذشته گره نمی‌خورد ما ممکن است در چهل سال گذشته اشتباهاتی انجام داده باشیم و این اشتباهات هم راست باشد. آیا دلیل می‌شود که نسبت به آینده ناامید شویم؟ اینطور نیست چون گاهی دامنه داشته‌های انسان که از آن استفاده نکرده ممکن است آنقدر وسیع باشد که علی‌رغم همه اشتباهات گذشته باز هم نسبت به آینده ناامید نمی‌شود. مهم‌ترین داشته حکومت اسلامی که ما معمولاً از کارکردش غافل هستیم مسئله «ارتباط ما با خداوند متعال و اولیای خداست». که ایشان در بعضی از تعبیرشان می‌فرمایند: ملت و حکومتی که توکل و به خدا باور دارد هرگز ناامید نمی‌شود. اصلاً فرض کنیم گذشته انقلاب همین‌طور باشد که مخالفین می‌گویند، که یقیناً دروغ اندر دروغ است ولی بر فرض هم که اینطور باشد آیا ما از ساختن آینده باید ناامید بشویم؟ اگر وعده‌های الهی حق و کار عالم دست خداوند متعال است و او ضمانت کرده کسانی که به او تکیه بکنند را دستگیری و هدایت می‌کند و پیش می‌برد و به همین شکل روند‌های گذشته تاریخ را می‌بینیم که همیشه در حکومت‌های الهی افراد با دست خالی شروع کردند و عنایت‌های الهی ضمیمه شد و پیش رفتند دیگر جایی برای ناامیدی انسان مومن باقی نمی‌ماند.



البته آن کسی که به خدا باور ندارد طبیعتاً نگاهش به همین روند چهل سال گذشته است ولیکن ایشان در بیانات دیگر فرمودند؛ که برای مومنین و کسانی که به خدا باور داشتند (نگاه خاص در اون وجود داشته)؟ همیشه این نکته را هم تاکید کرده اند که مساله در اینجا خلاصه نمیشود. لذا در نگاه دینی ما نا باوری نسبت به آینده اصلاً معنا ندارد مسلماً راه باز و کسانی که استقامت بکنند و بخواهند در راه خدا کار انجام بدهند، خداوند هم از آنها پشتیبانی می کند و آینده هم روشن روشن است. خداوند هم ضمانت کرده (العاقبه للمتقين) همیشه اهل تقوا پیروز و در نتیجه موفق میشوند و هیچوقت زمین نمیخورند و این مسئله دوم است. در واقع برای اجرایی شدن مسئله اول در گام بعدی ما باید سراغ توصیه دوم آقا یعنی ( بحث اخلاق و معنویت) برویم. معنویت و اخلاق، امید ساز است چون معنویت و اخلاق انسان را به اراده ازلی خداوند که بدون هیچ شک و شبهه ای هیچ چیزی در مقابل آن توانایی ایستادگی ندارد تکیه میدهد. لذا همانطور که چندین بار در عبارات قبلی آمده در جاهایی که راه برای ما بسته بود مثل دوران جنگ یا حوادث قبل از انقلاب، دیدیم که اراده و عنایت الهی به کمک مومنین آمده و همه ی درهای بسته را گشوده این میشود مسئله اول.

توصیه دوم- (علم و پژوهش). دانش آشکار ترین وسیله عزت و قدرت یک کشور است.

سوالی که در اینجا مطرح می شود اینست که چرا آقا اول علم و پژوهش را توصیه فرمودند بعد معنویت و اخلاق؟ شاید وجهش این باشد که این بیانیه برای ساختن تمدن اسلامی است و پایه تمدن بر پایه علم و پژوهش سوار است. اسلامیت تمدن بر معنویت و اخلاق سوار است یعنی اگر ما بخواهیم با نگاه ساختن تمدن اسلامی حرکت کنیم، پایه اصلی تمدن که در اسلامی و غیر اسلامی مشترک می باشد ( علم و پژوهش) است. علم و پژوهش که در کنار هم آمده است معنایش این است که ما



اینجا با علم و آگاهی و اطلاع خالی کار نداریم، ما علمی می‌خواهیم که در آن خلاقیت باشد، چون پژوهش نماد خلاقیت و تولید است. جامعه اسلامی و هر تمدنی وقتی رشد میکند که دانش خلاق داشته باشد عبارتی خریدار دانش دیگران نباشد و خودش از درون دانش را ایجاد کند و دانش از او بجوشد. پس پایه اول ( علم و پژوهش) است. ایشان در ادامه می‌فرمایند:

«دانش، آشکارترین وسیله‌ی عزت و قدرت یک کشور است.»

آشکارترین وسیله عزت و قدرت دانش است، این ترجمه ایست از همان فرمایش امیرالمومنین که خود آقا هم در فرمایشاتشان مکرر خوانده اند که (العلم سلطان) (علم ابزار تسلط است. کسیکه می‌خواهد موفق باشد و تسلط داشته باشد در واقع می‌خواهد قدرت داشته باشد. قدرت بر دوش علم سوار است.

«روی دیگر دانایی، توانایی است. دنیای غرب به برکت دانش خود بود که توانست برای خود ثروت و نفوذ و قدرت دوپست ساله فراهم کند و با وجود تهیدستی در بنیانهای اخلاقی و اعتقادی با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آنها را به دست گیرد.»

می‌خواهیم تحلیل کنیم ببینیم چه شد که دنیای غرب و کشورهای غیر اسلامی در مسائل تمدنی از کشورهای اسلامی جلو زدند؟ می‌فرمایند ریشه اصلی و نقطه شروع آن از حرکت علمی بود، که در رنسانس شکل گرفت. آن حرکت علمی بود که عقبه این رشد سیاسی و اجتماعی را رقم زد. از زمانی که دانشمندان فعال شدند و تولید علم کردند، حکومت کردند. ما معمولاً تصورمان این است که برتری آنها در ابتدا توسط اقتصاد است پولدار بودن یا به وسیله زور چون توانایی داشتند قلدری میکردند در نتیجه دیگران را تحت غلبه خودشان قرار دادند. اما یک مقدار که عمیق تر نگاه میکنیم آن اقتصاد و قدرت بر دوش یک اندیشه سوار است. آن اندیشه بود که توانست تجهیزات نظامی را تولید و نظام های اقتصادی را رقم بزد. پس در واقع



برتری تمدن آنها بر تمدن اسلامی، در یک مقطع کوتاه به خاطر رشد دانش بود. پس شما هم اگر بخواهید در این رقابت نقطه آغاز، در غلبه تمدنی در مقایسه تمدنی

را پیدا کنید است. باید اول در مسئله علم و پژوهش سرمایه گذاری کنید یعنی راهبرد اصلی تمدن اسلامی در چهل سال آینده تولید انسان هایی است که دارای دانش خلاق هستند اگر انسان هایی دارای دانش خلاق تولید شدند خود به خود سرمایه و تجهیزات نظامی و بقیه جهات تمدنی هم تولید میشوند.

«ما به سوء استفاده از دانش مانند آنچه غرب کرد توصیه نمی کنیم.»

ما منظورمان این نیست که مثل آنها دانش را بدست آوریم و فقط چنبره بر قدرت بزنیم و دیگران را استثمار و حق و حقوقشون را بگیریم. نمی خواهیم از این جهت از آنها الگو بگیریم.

«اما موگدآبه نیاز کشور به جوشاندن چشمه ی دانش در میان خود اصرار می ورزیم.»

جوشاندن چشمه دانش یعنی خلاقیت در علم، ما در علم تولید کننده باشیم و وامدار دیگران نباشیم.

«بحمدالله استعداد علم و تحقیق در ملت ما از متوسط جهان بالاتر است. اکنون نزدیک به دو دهه است که رستاخیز علمی در کشور آغاز شده و با سرعتی که برای ناظران جهانی غافلگیر کننده بود - یعنی یازده برابر شتاب رشد متوسط علم در جهان - به پیش رفته است.»

یک نکته در بین الحلالین عرض کنم یکی از مشکلات ما در کشورمان نداشتن نگاه کلان در تحلیل وضعیت جامعه است. اگر مثلاً از مردم کوچه و بازار پرسید وضعیت مملکت چگونه است؟ وضع مملکت را بر اساس مثلاً قیمت سیب زمینی یا اگر بخواهند کمی عمیقتر نگاه کنند بر اساس قیمت دلار می سنجدند که مثلاً قیمت



دلار بالا رفت پس وضعیت خراب است یا پایین آمد پس وضعیت خوب است! کسیکه عمیق تر باشد حالا آمار دزدی را هم به آن اضافه می کند. اما به گمان حقیر یکی از درس های خیلی مهم این منشور این است که جامعه را به این بصیرت برساند که به جامعه نگاه تمدنی داشته باشند. در نگاه تمدنی، قیمت سیب زمینی و دلار و امثال اینها صفر است و اصلاً محاسبه نمیشوند. حالا فرض کنیم دلار سه برابر هم شد سه برابر شدنش تاثیری در مسئله نمیگذارد چرا؟ چون زیر ساخت های اصلی در نگاه تمدنی علم و فناوری و مسئله امنیت است. وقتی می خواهند ارزشگذاری کنند تمدن از آنجا شروع و چیده میشود. دشمنان وقتی میخواهند ببینند تمدنی در حال شکل گرفتن هست یا نیست نگاه میکنند، ببینند رشد علمی چگونه است یا ضریب امنیت چقدر است. اگر این فاکتورها در حال افزایش است می گویند اینها در حال خیزش هستند.

گاهی مواقع که مقام معظم رهبری می گویند که ما حرکتمان رو به جلو است یا در حال موفقیت هستیم و شکست نخوردیم؛ افراد می پرسند که چطور شکست نخوردیم در حالی که قیمت سیب زمینی و پیاز و گوشت بالا رفت؟ چون نگاهشان نگاه خرد است یعنی جامعه را از آن راستا نگاه میکنند.

برای ایجاد یک اقتصاد موفق و تمدن قدم اول استقلال است که استقلال سیاسی با انقلاب ایجاد شد.

قدم دوم امنیت است که امنیت درونی ایجاد کردنش خودش یک معضله خیلی بزرگی است که در جمهوری اسلامی اتفاق افتاده است.

قدم سوم ایجاد فضای نخبگانی تحلیل و علم و خلاقیت است که در این عبارت دارن به آن اشاره میکنند. اینها وقتی دست به دست هم بدهند بعد مشکلات روی صحنه عوض میشوند ولی اگر حکومتی مثل حکومت پهلوی وابسته بود امنیتی که خود بخواهد آن را به عهده بگیرد در آن وجود نداشت. خلاقیت و علم دانش وجود



نداشت. قیمت ها به وسیله پولی که از بیرون تزریق میشد ثابت بماند اینجا هیچوقت تمدن رقم نمیخورد. لذا میفرمایند:

«بحمدالله استعداد علم و تحقیق در ملت ما از متوسط جهان بالاتر است. اکنون نزدیک به دو دهه است

که رستاخیز علمی در کشور آغاز شده و با سرعتی که برای ناظران جهانی غافلگیر کننده بود - یعنی یازده برابر شتاب متوسط علم در جهان - به پیش رفته است. دستاوردهای دانش و فناوری ما در این مدت که ما را به رتبه‌ی شانزدهم در میان بیش از دویست کشور جهان رسانید و مایه‌ی شگفتی ناظران جهانی شد و در برخی از رشته‌های حساس و نوپدید به رتبه‌های نخستین ارتقاء داد. همه و همه در حالی اتفاق افتاده که کشور دچار تحریم مالی و تحریم علمی بوده است. ما با وجود شنا در جهت مخالف جریان دشمن ساز به رکوردهای بزرگ دست یافته ایم و این نعمت بزرگی است که به خاطر آن باید روز و شب خدا را سپاس گفت.»

دشمنانی که از بیرون نظر میکنند چون با شاخصه‌های تمدنی ارزیابی میکنند اینها برایشان حساسیت زاست یعنی وقتی میبینند اینها تغییر میکند روی یک کشور حساس میشوند و آلا اگر واقعاً وضعیت جمهوری اسلامی رو به افول و خرابی و شکست بود، پس چرا کشور های بزرگ دنیا این همه سرمایه گذاری برای مقابله با آن می کنند؟ باید بگویند اینها که خود به خود دارند خراب میشوند، اینها که اصلا وضعیتی ندارند که بخواهیم با آنها مقابله کنیم؟

وقتی ما فعال تر میشویم آنها تلاش و محاسباتشان بیشتر میشود و اینهمه اندیشکده تخصصی فقط برای بررسی وضعیت ایران و شیعه در جهان تاسیس میکنند، اینقدر در مناظراتشون اسم ایران را می برند چون احساس می کنند آن بنیان های اصلی حرکت قوی شده است. اینکه مقام معظم رهبری میفرمایند چهل سال دوم چهل سال ساختن تمدن است از نگاه ایشان یعنی ما زیرساخت های تمدن برایمان تولید شده و زمینه برای اینکه مراحل ساخت خود تمدن را آغاز کنیم فراهم است آن امنیت، استقلال و علم و دانش و چند نکته که در بحث های بعدی به آن می رسیم محقق شده حالا رسیدیم به مرحله بعدی که مرحله بسیار مهم تمدن سازی است.





«اما آنچه من می‌خواهم بگویم این است که این راه طی شده با همه ی اهمیتش فقط یک آغاز بوده

است و نه بیشتر. ما هنوز از قله های دانش جهان بسیار عقبیم؛ باید به قله ها دست یابیم. باید از مرزهای کنونی دانش در مهمترین رشته ها عبور کنیم. ما از این مرحله هنوز بسیار عقبیم؛ ما از صفر شروع کرده ایم. عقب ماندگی شرم آور علمی در دوران پهلوی ها و قاجارها در هنگامی که مسابقه ی علمی دنیا تازه شروع

شده بود، ضربه ی سختی بر ما وارد کرده و ما را از این کاروان شتابان، فرسنگها عقب نگه داشته بود. ما اکنون حرکت را آغاز کرده و با شتاب پیش می‌رویم ولی این شتاب باید سالها با شدت بالا ادامه یابد تا آن عقب افتادگی جبران شود. اینجانب همواره به دانشگاه ها و دانشگاهیان و مراکز پژوهشی و پژوهندگان، کرم و قاطع و جدی در این باره تذکر و هشدار و فراخوان داده ام، ولی اینک مطالبه ی عمومی من از شما جوانان آن است که این راه را با احساس مسئولیت بیشتر و همچون یک جهاد در پیش گیرید. سنگ بنای یک انقلاب علمی در کشور گذاشته شده و این انقلاب؛ شهیدانی از قبیل شهدای هسته ای نیز داده است. به پا خیزید و دشمن بدخواه و کینه توز را که از جهاد علمی شما بشدت بیمناک است ناکام سازید.»

وقتی عقب ماندگی را جبران کنیم تازه می‌رسیم به نقطه رقابت کردن!

آقا فرمودند باید از مرزهای کنونی دانش در مهمترین رشته ها عبور کنیم یکی از مسائل مهم برای ما در بعد خرد خودمان این است که مهمترین رشته ها چیست؟ در آینده چه رشته هایی تاثیر گذار هستند؟ و اولویت انتخاب رشته ما در دانشگاه ها و در فضای حوزه و فعالیت های پژوهشی چیست؟ دوم اینکه اگر قرار است از مرز های کنونی دانش عبور کنیم و این جهش علمی را رقم بزنیم چه راهکارهایی در فضای خرد و کلان در حد خودمان وجود دارد؟

